

بررسی عوامل مؤثر بر جلب مشارکت شهروندان در توسعه پایدار شهری (مورد مطالعه: شهر بندرعباس)

مجید گیوی^۱، سمیره علی پور^{۲*}، صفیه نظری^۳، رضا اقامتی گشتی^۴

۱- استادیار و عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی ناجا

۲- کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه گیلان

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه هرمزگان

۴- کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه گیلان

چکیده

مشارکت به عنوان اساسی‌ترین عنصر در دستیابی به اهداف توسعه به ویژه توسعه شهری از اهمیت خاصی برخوردار است. مشارکت شهروندان در امور شهر ضرورتی است که منجر به توسعه پایدار شهری می‌شود. برنامه‌ریزان شهری تلاش می‌کنند در تصمیم‌گیری‌های شهری از نظرهای شهروندان آگاه شده و با همکاری آنان، برنامه‌های خود را عملی کنند. چرا که آنان معتقدند مشارکت شهروندان را مسئولیت پذیر بار آورده و به فرآیندهای تصمیم‌گیری مشروعیت می‌بخشد. لذا پژوهش حاضر در راستای نیل به این هدف سعی بر مطالعه عوامل مؤثر در جلب مشارکت شهروندان بندرعباس در تحقق توسعه پایدار شهری داشته است. روش تحقیق پیمایشی بوده و از تکنیک پرسش‌نامه محقق ساخته استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش حاضر در برگیرنده همه ساکنان شهر بندرعباس است، که از این تعداد ۳۸۴ نفر براساس

فرمول کوکران کمی و به شیوه نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شده‌اند. برای بررسی رابطه متغیرهای پیش بین بر جلب مشارکت شهروندان در توسعه پایدار شهری، از آزمون‌های ضریب همبستگی پیرسون، آزمون t، تحلیل واریانس یکطرفه، رگرسیون چند گانه استفاده شده است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که بین احساس تعلق اجتماعی، رضایت شهروندان، اعتماد نهادی، رسانه‌های ارتباط جمعی و جلب مشارکت شهروندان در توسعه پایدار شهری رابطه معناداری وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: مشارکت شهری، توسعه پایدار، مشارکت شهروندی، بندرعباس.

مقدمه

ویژگی عصر ما شهرنشین شدن جمعیت، افزایش جمعیت شهرها و به تبع آن توسعه شهرهای کوچک و بزرگ است (گیلبرت و گاگلر، ۱۳۷۵: ۷). همچنان که مهاجران در جست و جوی کار و فرصت‌های بهتر یا فقط برای دستیابی به غذا و سرپناه به مهاجرت به شهرها ادامه می‌دهند، ظرفیت زیر ساخت‌های شهری اغلب در فشار قرار می‌گیرد. و حتی کاهش می‌یابد، وضع مسکن موجود بدتر و متراکم‌تر می‌شود، فضاهای باز مورد تجاوز قرار می‌گیرند (کاظمی محمدی، ۱۳۸۵: ۹۶). شهرنشینی امروزه یکی از چالش‌های مهم است که بیشترین میزان در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین بوده، سالانه ۶۰ میلیون شهروند به فقیرترین کشورهای این نقاط افزوده می‌شود. شهرنشینی شتابان چهار دهه گذشته در کشورهای رو به توسعه چندین پیامد منفی داشته است که عبارتند از: افزایش فقر در شهرها، ارائه ناکافی مسکن و خدمات شهری اصلی مانند خدمات بهداشتی و آب و پیدایش زاغه‌ها و مسکن‌های غیر قانونی و ویرانی زیست محیطی (زاهدی، ۱۳۸۲: ۷).

روند رو به رشد جمعیت و شهرنشینی و بروز مشکلات متعدد اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی از یک سو و ناکارآمد بودن روش‌های مدیریت و کنترل توسعه شهری جهت رفع مشکلات و تنگناهای مذکور از سوی دیگر، شهرهای نابه سامان و ناپایداری را خلق نموده است که برخی از نمودهای آن را می‌توان در شکل گیری سکونتگاه‌های غیر رسمی، گسترش کالبدی شهرها، شکل گیری مجموعه‌های شهری و افزایش هزینه‌های ایجاد زیرساخت‌ها،

مشکلات اجتماعی و فرهنگی چون افزایش ناامنی و جرم و جنایت، افزایش شکاف طبقاتی فقیر و غنی و... مشاهده نمود. اما باید گفت که مسائل یاد شده معلول بوده و علت اصلی را باید در جایی دیگر جستجو کرد. بدون شک یکی از اصلی‌ترین علت‌های ایجاد چنین نابسامانی‌ها و ناپایداری‌ها، چالش‌های مدیریتی است و در این میان نبود مدیریت یکپارچه شهری و به خصوص شکل نگرفتن مدیریت مشارکت محور که مبتنی بر کنش متقابل و فعالانه و متعهدانه تمامی ذینفعان و بازیگران کلیدی دخیل در مدیریت توسعه شهری است، یکی از علت‌های اساسی و شاید علت‌العلل تمامی مسائل و مشکلات است.

امروزه توسعه پایدار شهری به کانون تمامی مباحث مدیران و مسئولین و اندیشمندان حوزه‌های شهری جهت ایجاد و ارتقای شهرهایی با کیفیت بالای زندگی تبدیل شده است. بررسی‌ها در سطح بین‌المللی نشان می‌دهد که مؤلفه کلیدی در جهت دستیابی به چنین توسعه ای، درگیر ساختن شهروندان در مسائل و مشکلات حوزه‌های مختلف است (شریفیان ثانی، ۱۳۸۰: ۴۹). امروزه در کشورهای در حال توسعه مشارکت موضوعی نیست که در نظریه بررسی و تحلیل شود، بلکه در عمل معلوم شده است حل انبوه مسائل و مشکلات جامعه شهری و روستایی بدون مشارکت مردم میسر نیست (پاپلی یزدی و همکاران، ۱۳۸۲: ۳۳۵). به اعتقاد صاحب نظران، مشارکت، موجب افزایش شایستگی و کرامت در افراد می‌گردد و به عنوان یک عنصر حیاتی در فرایند مدیریت شهری، حلقه گمشده فرایند توسعه شهری محسوب می‌شود. افزایش مشارکت مردم در امور شهری، می‌تواند در ایجاد تعادل شهری نقش ارزنده‌ای را ایفا نماید. اگر شهروندان مشارکت در شهر را به منزله مشارکت در سرنوشت خویش بدانند، می‌توانند در قالب گروه‌های کاری به شکل‌گیری و تقویت خصایصی نظیر خودرهبی و خود مسئولیت‌ورزی مبادرت ورزیده و زمینه را برای تغییر و تحول در جهت تلطیف و پویایی شهری آماده نمایند. بنابراین مدیران شهری می‌توانند با جلب مشارکت مردم بر توانایی‌های مدیریت شهری بیفزایند (تقوی، ۲۰۰۶: ۲۱).

در کشورهای در حال توسعه، معمولاً برنامه ریزی توسط دولت و به صورت متمرکز صورت می‌گیرد و عمدتاً منابع تخصیص یافته ارتباط چندانی با پتانسیل‌ها و نیازها نداشته و در نتیجه شکاف و دوگانگی بین مناطق مرتب افزایش می‌یابد. به نظر می‌رسد که در ایران و در

بین استان‌های آن نیز از لحاظ برخورداری از شاخص‌های مختلف توسعه، تفاوت زیادی وجود دارد (سرور و موسوی، ۱۳۹۰) و نیاز به مشارکت بیش از پیش احساس می‌شود، چرا که افزایش جمعیت و شهرنشینی پدیده‌ای فراگیر در یکصد سال اخیر بوده است که هم کشورهای صنعتی و هم کشورهای رو به پیشرفت را با چالش‌های جدیدی روبرو کرده است. بنابراین، توانمندسازی انسان‌ها، کاهش مشکلات شهری و تحقق توسعه در ایران که در دوران گذار از جامعه سنتی به مدرن است، به عنوان یک مسأله اساسی در مدیریت شهری مطرح است که تنها با بهره‌گیری درست و بهینه از توان‌ها و استعدادهای موجود شهروندان در چارچوب برنامه‌های مشارکتی، قابل دستیابی است. این در حالی است که در بسیاری از شهرهای بزرگ، زیرساخت‌های شهری با روند رو به رشد جمعیت شهرها، هماهنگی مطلوب را ندارند (قراچورلو و اسمعیلی، ۱۳۸۶). مسائلی مانند رشد جمعیت و افزایش مهاجرت به شهرها، توسعه غیرقابل کنترل نواحی شهری، خلق سکونتگاه‌های جدید، کاهش سطح رفاه انسانی به ویژه نبود مشارکت مردمی مشکلات بسیاری را برای مدیریت شهرها در مراحل و گام‌های مختلف مدیریت مشارکتی به وجود آورده است. از این رو آنچه در حال حاضر برای مدیریت شهری بسیار ضروری به شمار می‌رود، لزوم ایجاد تغییرات در چارچوب کلی مدیریت شهری و استفاده از نگرش‌های مشارکتی و جلب رضایت شهروندان است (زیاری، ۱۳۸۲: ۳۳۸). اما نکته بسیار مهمی که باید در برنامه‌های مدیریت شهری مورد توجه قرار گیرد، این است که بین وارد شدن شهروندان در مشارکت‌های تشریفاتی و ساختگی با مشارکت‌های واقعی که نشانگر قدرت تأثیر مردم در فرایند مدیریت و برنامه‌ریزی است، تفاوت وجود دارد. بنابراین مشارکت واقعی در مدیریت شهری در واقع همان ارتباط متقابل مردم با مدیریت شهر است به صورتی که بتوانند در شهر تأثیرگذار باشند (زیاری، ۱۳۸۰: ۲۱۶).

بیان مسأله

از ملزومات اصلی در هر کشوری، ایجاد توسعه در سرتا سر نواحی سرزمینی است. این نواحی بسته به این که دارای شرایط مساعد یا نامساعد برای توسعه باشند، با هم تفاوت دارند، اما بایستی در مسیر تعالی آنها بدون تبعیض در ابعاد مختلف فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی

تلاش نمود. گسترش چشمگیر شهرنشینی در سال‌های اخیر، به ویژه افزایش جمعیت در شهرهای بزرگ مشکلات بسیاری را بر جای گذاشته است که مدیریت شهری امروزی در شهرهای دیگر قادر نخواهد بود از روش‌های سنتی و معمول گذشته این مشکلات را حل کرده و در ارائه خدمات یکسویه موفقیتی بدست آورد. بنابراین اگر توسعه همه جانبه در زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و ... صورت نگیرد توسعه پایدار دچار چالش می‌شود.

آن چه امروزه توسعه و بهره‌وری خدمات شهری را تضمین می‌کند، مشارکت کلیه شهروندان در فعالیت‌های شهری است. مفهوم مشارکت در برگیرنده این موضوع اساسی است که افراد در کل جامعه به تأثیر گذاری مستقیم و غیر مستقیم در امور شهری و سایر موضوعات مرتبط، از منابع آن بهره می‌گیرند. شهروندان با مشارکت در امور شهری به شبکه‌ای از روابطی وصل می‌گردند که در آینده می‌تواند نقش حمایتی را برای آنان بازی نماید. جلب مشارکت شهروندان در اداره امور شهر از نظر اجتماعی باعث افزایش همکاری‌های اجتماعی می‌شود که پایه‌های جامعه مدنی را تقویت می‌کند. از طرف دیگر عدم مشارکت شهروندان در اداره امور شهر نیز پیامدهای منفی هم برای مدیریت شهری و هم برای ساکنان شهر ایجاد خواهد کرد. که از جمله می‌توان به افزایش محدودیت‌ها و مشکلات مدیریت شهری به دلیل افزایش جمعیت، هزینه‌ها، صرف انرژی زیاد و کاهش علقه‌های عاطفی شهروندان به محل زندگی خود اشاره کرد.

اگر شهروندان، مشارکت در شهر را به منزله مشارکت در سرنوشت خویش بدانند، در این صورت، می‌توان زمینه را برای تغییر و تحول در جهت پویایی شهر آماده ساخت. بنابراین مشارکت، عنصر حیاتی در فرآیند توسعه پایدار تلقی گردیده و از آن به عنوان حلقه مفقوده فرآیند توسعه یاد می‌کنند و به اعتقاد صاحب نظران، مشارکت موجب افزایش شایستگی و کرامت در افراد می‌گردد. عوامل بسیاری بر مشارکت مردم در امور شهری و توسعه پایدار شهری تأثیر گذارند که در مشارکت مردم در هر یک از مراحل و انواع طرح‌های عمرانی، سبب بهبود شرایط عمومی، توزیع قدرت و بالا رفتن سطح امید به زندگی می‌شود. همچنین سیستم تصمیم‌گیری، برنامه ریزی و مدیریت دولتی متمرکز را به سمت مدیریت محلی و از پایین به بالا (توسعه مشارکتی) با توجه به نیازها، امکانات، توانمندی‌ها و اولویت‌هایشان سوق

می‌دهد (قاسمی، ۱۳۸۱: ۳۸). تجربه نشان داده است که طرح‌های دولتی بدون جلب مشارکت مردمی، حالت کم‌رنگی به خود می‌گیرند. علاوه بر آن، مهمترین مشارکت بهره‌برداران، حفاظت و کنترل عرصه‌های ایجاد شده است که بر تداوم و بهره‌برداری و ایجاد بستر مناسب و مساعد، نقش مهمی بر عهده دارد.

مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و کلیه فعالیت‌ها و امور شهری، مورد توجه مدیران، برنامه‌ریزان و صاحب‌نظران توسعه اجتماعی است. در سال‌های اخیر همواره در محافل علمی و سیاسی کشور، موضوع مشارکت شهروندان در امور شهرها در صدر گفتمان‌های اجتماعی و سیاسی جامعه قرار داشته، همگان از آن به عنوان عنصری مهم در جهت رسیدگی به دموکراسی توسعه پایدار سخن راندند (عباس‌زاده، ۱۳۸۷: ۴۴). روش و رویکردهای مشارکتی برای انگیزش در مردم، یکی از راهبردهای مورد توافق برنامه‌ریزان توسعه اجتماعی و اقتصادی است. مشارکت دادن یک به یک افراد جامعه در فرآیند توسعه، به معنای قدرت دادن به ضعیف‌ترین و فقیرترین افراد جامعه برای تشویق آنها به اجرای برنامه‌ها و طرح‌ها و قرار دادن این گروه در متن آن است. طرح‌های مشارکتی زمانی به اهداف خود نزدیک می‌شوند که بین مردم و نهادهای سیاست‌گذار و برخوردار از امکانات مالی نوعی جابه‌جایی قدرت انجام شود. بنابراین می‌توان گفت که مشارکت مردم در امور شهری می‌تواند در ایجاد تعادل شهری نقش ارزنده‌ای ایفا نماید. رابطه شهر و شهروندی دو سویه است. انسان‌ها شهر را می‌سازند و شرایط شهرها در زندگی آنها تأثیر قاطع و امکان‌ناپذیر دارد.

هدف اصلی این تحقیق، درک ارتباط مشارکت شهروندان با روند توسعه پایدار و لزوم پایداری شهری، شناخت شاخص‌های مناسب اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی و شناسایی عوامل مهمی که می‌توانند بر مشارکت شهروندان و توسعه پایدار شهر بندرعباس تأثیر مثبتی داشته باشند است. در همین راستا شهر بندرعباس به عنوان محدوده مطالعه مورد انتخاب گردید. از آنجایی که شهر بندرعباس دارای پتانسیل‌های بالایی در زمینه‌های تجاری و گردشگری است و به عنوان یکی از مهمترین شهرهای ساحلی هرمزگان به حساب می‌آید، این شهر در سال‌های اخیر بواسطه موقعیت استراتژیک و وجود بنادر و همچنین صادرات و واردات کالا، رشد و توسعه بی‌سابقه‌ای یافته است. در طی دهه‌های اخیر بواسطه مهاجرت‌های زیاد به

شهر بندرعباس سبب شده است مرکز شهر جوابگویی مهاجران نباشد. وجود این افراد در محلات در شهر بندرعباس سبب شده است این شهر با مشکلات متعدد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مواجه شود. از طرفی مهاجرت از سایر استان‌ها به این شهر سبب گسترش شهر و ایجاد محلات حاشیه‌ای شده اند. که این مسائل توسعه پایدار شهر بندرعباس را به چالش کشیده است. از طرفی بهره برداری نامناسب و بیش از ظرفیت منابع طبیعی، تغییر و تخریب اکوسیستم‌های طبیعی، تغییر کاربری اراضی در سطح شهر، آلودگی زیست محیطی ناشی از دفع نامناسب فاضلاب، فقدان تعامل میان زیر بخش‌های مختلف حمل و نقل، پایین بودن سطح خدمات، بالا بودن تراکم جمعیت و همچنین عدم امنیت که وجود آن به عنوان عاملی مهم در توسعه شهری می‌تواند مطرح باشد، این شهر را به رغم قابلیت‌های ممتاز بندری و استراتژیکی به چالش‌های جدی در ارتباط با توسعه پایدار شهری مواجه ساخته است. لذا با توجه به چالش‌های مطرح شده این تحقیق در صدد برآمده است تا میزان مشارکت مردم و عوامل مؤثر بر مشارکت آنان را در حیطه وظایف مدیریت شهری در شهر بندرعباس را مورد بررسی قرار دهد. و همچنین پارامترهای مؤثر بر جلب مشارکت شهروندان را مورد شناسایی قرار دهد. یافته‌های پژوهش حاضر می‌تواند مدیران شهری را در بالا بردن مشارکت شهروندان و افزایش مشارکت مردم یاری رساند.

ضرورت و اهمیت تحقیق

با پیشرفت جوامع بشری و گسترش روز افزون شهرها، چگونگی رسیدن به توسعه پایدار شهری، یکی از دغدغه‌های اصلی جوامع بشری گردیده است. از آن جایی که انسان محور توسعه محسوب می‌شود و نقش مهمی در شکوفایی و بالندگی هر جامعه و توسعه پایدار آن دارد، جلب مشارکت آنها در جامعه و توسعه جامعه بیش از پیش ضروری به نظر می‌رسد. این مشارکت می‌تواند در ابعاد مختلفی صورت گیرد. بر این اساس مشارکت شهروندان را می‌توان محور اصلی توسعه پایدار شهری دانست که منجر به توسعه در هر یک از بخش‌های مختلف جامعه شده و نتیجه آن دستیابی به توسعه پایدار شهری و به تبع آن توسعه پایدار ملی خواهد بود. هر چه مشارکت شهروندان در توسعه پایدار شهری بیشتر باشد، توسعه پایدار شهری به

میزان قابل توجهی افزایش می‌یابد. با توجه به توسعه و گسترش شهر بندرعباس طی دهه‌های اخیر بحث توسعه پایدار و سنجش آن مطرح است تا با شناخت آنها در شهر نسبت به رفع مشکلات و کاهش نابرابری‌ها اقدام شود.

پیشینه تحقیق

لنزی و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان "ارتباط اجتماعی محله و مشارکت مدنی نوجوانان، مدلی یکپارچه با هدف توسعه اجتماعی محله‌ای"، شیوه‌های مختلف مشارکت مدنی نوجوانان در شهر متوسط اندام ایتالیا را مطالعه کردند و سطح مشارکت آنان در امور محله‌ای و ارتباط بین نسلی میان آنان و بزرگسالان را، نسبتاً بالا ارزیابی کردند و این عوامل به تاثیر سیستم‌های اجتماعی در پرورش تعامل مدنی نوجوانان کمک می‌کند.

مک گی (۲۰۱۱) در تحقیقی با عنوان "مشارکت عمومی در سطح محله، آمادگی برای کاهش خطر آتش سوزی: مطالعه موردی کانادا، ایالت متحده و استرالیا" با مشارکت ۱۹ خانواده به صورت نیمه ساختاری نشان داد که با وجود اختلاف بین سه برنامه در کشورهای مورد مطالعه، مشارکت شهروندی به دلیل تجربه مقابله با آتش سوزی، دخالت نهادهای مسئول و حفاظت شخصی از خانواده، مورد استقبال قرار گرفت. نتایج این برنامه‌ها به کاهش ریسک آتش سوزی و افزایش انعطاف پذیری بین جامعه و روابط میان ساکنان و سازمان‌های دولتی کمک می‌کند.

ایلو و همکاران (۲۰۱۰) در مقاله‌ای با عنوان "بهبود برنامه ریزی محله‌ای، ویژگی‌های فیزیکی، ارزیابی شناختی و عاطفی و فعالیت در دو محله در شهر رم، پایتخت ایتالیا" با استفاده از مدل‌های خطی سلسله مراتبی نشان دادند که یک روش موثر برای شناسایی واحدهای همسایگی می‌تواند به بهبود امکانات تجاری محله و اوقات فراغت مطمئن، تراکم استاندارد ساختمان‌ها و بهبود فضای سبز کمک کند.

سعیدی و اوکتای (۲۰۱۲) در تحقیقی با عنوان "تنوع برای کیفیت بهتر زندگی اجتماعی: مطالعه موردی محلات فاماگوستا" با مطالعه مفهوم درون محله این نشان دادند که در محله‌های شهر فاماگوستا که به تازگی توسعه یافته اند، در اشکال زندگی تنوع وجود ندارد. همچنین در

محلله‌های مورد مطالعه، افزایش وابستگی آشکار به ماشین تا حد زیادی مانع استفاده از دوچرخه درون محلات شده است.

تحقیقی با عنوان تحلیلی بر جایگاه مشارکت شهروندان در توسعه پایدار شهری (مطالعه موردی شهر سبزوار) که توسط حسینی و همکاران در سال (۱۳۹۱) در کنفرانس برنامه ریزی و مدیریت شهری انجام شده است. هدف اصلی این تحقیق واکاوی و شناخت عواملی است که می‌تواند در گسترش مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها مؤثر باشند. روش تحقیق ترکیبی از روش تحلیل داده‌های ثانویه و روش پیمایشی. نتایج تحقیق نشان داد که با افزایش میزان مشارکت شهروندان در فرآیند برنامه ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌های مدیریت توسعه شهر، بر میزان رضایتمندی فرد از زندگی نیز افزوده می‌شود.

رضوی (۱۳۹۱)، در مقاله‌ای با عنوان "برنامه ریزی استراتژیک توسعه محله‌ای با تاکید بر متغیرهای اجتماعی، مطالعه موردی: محله طلاب شهر مشهد" با استفاده از مدل SWOT مشخص کردند که محله طلاب شهر مشهد در موقعیتی رقابتی قرار دارد و باید سعی کند با استفاده از فرصت‌های موجود در محیط بیرونی، به بهبود نقاط ضعف خود پردازد و در این رابطه باید راهبردهای آشناسازی ساکنان با روش‌های مشارکت را مدنظر قرار دهد.

توکلی نیا و استادی سیسی (۱۳۸۸)، در پژوهشی با استفاده از روش سلسله مراتبی AHP نشان دادند که محله‌های در که و اوین به ترتیب از نظر اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و ولنجک از نظر کالبدی، در سطح بالاتر پایداری قرار دارند. همچنین با توجه به تفاوت عملکردی شوراهای محله اوین با شناخت بیشتر مردم و به دلیل ارتباط تنگاتنگ هم محله‌ای‌ها با یکدیگر، فعالیت بیشتری داشته و در جهت تحقق اهداف سند توسعه محله‌ای، گام‌های مؤثر تری برداشته است.

رفیعیان و همکاران (۱۳۸۶)، با استفاده از تکنیک مصاحبه عمیق نشان دادند که یکی از دلایل اصلی فقدان روابط اجتماعی در میان ساکنان محلات جلفای تهران، فقدان فضاهای محلی و اجتماعی است که از طریق آن بتوان زمینه ایجاد تعاملات و شبکه اجتماعی قوی و انگیزه لازم در ساکنان محلی، برای مشارکت در طرح‌های محلی را ایجاد کرد.

مبانی نظری

در این تحقیق متغیرهای مؤثر بر مشارکت به دو دسته متغیرهایی که اصالتاً درونی هستند و متغیرهایی که از محیط بیرونی و اجتماعی فرد ناشی شده‌اند، تقسیم شده‌اند. در بخش متغیرهای درونی یا روانشناسی اجتماعی، مشارکت به طور گسترده به نظریاتی که متغیر بی قدرتی را به عنوان یک متغیر مهم اثرگذار بر مشارکت می‌دانند، اشاره شده است. این دسته از نظریات به نظریات وبری معروف هستند که در آن بر نظام باورها، گرایش‌ها و اندیشه‌ها تاکید می‌شود. افرادی که در بعد کلان به متغیر بی قدرتی اشاره کرده‌اند، کارل مارکس، گئورگ زیمل و ماکس وبر می‌باشند. عده‌ای دیگر نظریه‌های برد متوسط بی قدرتی را مطرح کرده‌اند که شامل ملوین سیمن، نیل و سیمن و ماری لوین هستند.

در بین متغیرهای درونی یا روانشناختی مشارکت، نظریاتی که به ارزیابی فایده- هزینه مشارکت اشاره کرده‌اند مورد بررسی واقع شده‌اند. از جمله نظریاتی که در این زمینه بحث کرده است، نظریه کنش عقلانی می‌باشد که مهمترین نظریه در این رویکرد، از آن هومنز است.

دسته دوم متغیرهایی که بر مشارکت تاثیر می‌گذارند، متغیرهای اجتماعی یا متغیرهای بیرون از شخص هستند. در این راستا اولین متغیری که مورد بررسی قرار گرفته است، متغیر عضویت انجمنی است. از جمله نظریه پردازانی که عضویت انجمنی افراد را بر مشارکت آنان مؤثر می‌دانند گمسون، سیلز، مایرون وینر و آلن تورن هستند. هانتینگتون و نلسون نیز در این زمینه علاوه بر اشاره به متغیر احساس بی قدرتی، متغیر عضویت انجمنی را نیز بر مشارکت افراد مؤثر دانسته‌اند. هانا آرنت و یورگن هابرماس در همین راستا به مفهوم حوزه عمومی یا قلمرو همگانی اشاره کرده‌اند. متغیر پایگاه اقتصادی و اجتماعی نیز از سوی برخی نظریه پردازان به عنوان عامل اثرگذار بر مشارکت افراد شناخته شده است و در دسته متغیرهای اجتماعی یا بیرونی نسبت به شخص قرار می‌گیرد. نظریه پردازانی همچون وربا و نای و اروم تاثیر این متغیر بر مشارکت را مورد بررسی و سنجش قرار داده‌اند.

آخرین متغیر از دسته متغیرهای اجتماعی تاثیرگذار بر مشارکت، متغیر اعتماد اجتماعی است که در اکثر تحقیقات تجربی انجام شده مرتبط با موضوع بدان اشاره شده است. همچنین

در این تحقیق با توجه به نظریه سی مور مارتین لیست تاثیر ویژگی‌های فردی نیز بر مشارکت مورد بررسی قرار گرفته است.

چارچوب نظری

در نظریه‌های رایج جهانی امروز یکی از اصلی‌ترین و مقبول‌ترین راهبردها برای رسیدن به حداکثر مطلوبیت و پایداری، مشارکت است که از آن جمله می‌توان به نظریه حکمروایی خوب (Good Governance) اشاره نمود که اولین ویژگی آن مشارکت است. حکمرانی شهری بر حقوق مدیریت شهری فرآیندی مدیریتی است که به ایجاد و حفظ زیربناها و خدمات شهری می‌پردازد و فرآیند کاملاً سیاسی است، این حکمرانی شامل ساز و کارها، فرآیندها و مؤسساتی می‌شود که از طریق آن‌ها، شهروندان و گروه‌های مختلف علائق خود را ابراز می‌دارند. اختلاف نظرهای خود را تعدیل می‌کند و به توافق نظر می‌رسند و بر اساس حقوق و تعهدات قانونی خود عمل می‌کنند (شریفیان ثانی، ۱۳۸۰: ۴۹). عوامل اثرگذار بر بحث مشارکت بسیار متعدد و متنوع می‌باشند. از عوامل روانشناسی گرفته تا عوامل روانشناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی. در این تحقیق به بحث مشارکت از دیدگاه روانشناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی پرداخته شده است.

از دیدگاه روانشناسی اجتماعی احساس بی‌قدرتی که در افراد نسبت به یک سازمان یا نهاد وجود دارد بر عمل و کنش آنان در مقابل سازمان موثر است. در این زمینه نظریات سطح کلان همانند نظریات مارکس، وبر و زیمل از مهمترین بحث‌های ارائه شده در رابطه با بیگانگی انسان‌ها نسبت به دست ساخته‌هایشان و احساس بی‌قدرتی آنان در مقابل آنهاست (علوی، ۱۳۷۹: ۳۴). همچنین مطالعات تجربی که بر این پایه صورت گرفته است، مشارکت را تابع همین احساس دانسته‌اند، بدین معنی که شهروندان، سازمان‌ها را به عنوان یک نهاد خارج از خود و یک نیروی مستقل می‌بینند که در برابر آن قدرت ندارند و بر آنها مسلط شده است.

متغیر دیگری که از دیدگاه روانشناسی اجتماعی، می‌تواند بر عمل و کنش افراد در رابطه با یک نهاد یا سازمان تاثیرگذار باشد، احساس اثربخشی است. احساس اثر بخشی انتظارات یک فرد در موفقیت در یک کار یا رسیدن به یک نتیجه ارزشمند از طریق فعالیت‌های فردی است

(محسنی تبریزی، ۱۳۸۸: ۲۹). بدین ترتیب که اگر شهروندان قضاوت‌های مثبتی در رابطه با مهارت‌ها و دانش‌های خود برای مشارکت در امور شهری داشته باشند، به احتمال زیاد مشارکت آنان نیز افزایش خواهد یافت. همچنین در دسته بندی متغیرهای موثر بر مشارکت ارزیابی هزینه-فایده مشارکت است که می‌توان به تاثیر زیاد آن بر مشارکت مردم در امور شهری اذعان کرد. مهمترین نظریه پرداز این بحث، هومنز است که وابسته به مکتب مبادله می‌باشد. هومنز معتقد است که انسان همواره می‌کوشد تا رفتارهایی را که به پاداش منتهی می‌شود در کنش متقابل جستجو کند (توسلی، ۱۳۷۳: ۹۸). این متغیرها، مهمترین متغیرهای تاثیرگذار بر مشارکت در حوزه روانشناسی اجتماعی است.

نظریه پردازان اجتماعی متغیرهایی نظیر عضویت انجمنی، اعتماد اجتماعی و پایگاه اجتماعی و اقتصادی را بر میزان مشارکت افراد موثر می‌دانند. تعاریف متعددی از مفهوم مشارکت اجتماعی طرح شده است. به نظرهارپر، مشارکت فرآیندی است که به افراد اجازه می‌دهد در قدرت مدیریت، برای اخذ تصمیم‌های سازمانی سهیم شوند. همچنین از دید آلموند و پاول، اعمال نفوذ بر سیاست گذاری‌ها، از جمله فعالیت‌های مشارکتی به شمار می‌رود (کیهانی، ۱۳۸۲: ۲۷۷). در دیدگاه جامعه‌شناختی مشارکت، بر فرایند های اجتماعی اقتصادی، نهادهای خانوادگی و نظام تعلیم و تربیت تاکید می‌شود. این دیدگاه فرایند های ساختاری و اجتماعی نظیر شهرنشینی، گسترش وسایل ارتباط جمعی، ساخت قدرت، پویایی گروهی، سطح آموزش و منزلت اجتماعی را بر مشارکت موثر می‌داند (دانشپور، ۱۳۸۸: ۲۶).

دیوید دریسکل از نظریه پردازان مسائل شهری نیز در اثر خود با عنوان معتقد است مشارکت بر سه اصل ذیل مبتنی است: الف: توسعه در وهله اول و پیش از همه باید به نفع ساکنان محلی باشد، ب: مردمی که در محدوده مورد برنامه ریزی زندگی می‌کنند، دقیق‌ترین اطلاعات را درباره آن محدوده و موضوعات مرتبط با آن دارند و پ: مردمی که بیشترین تأثیرات را از تصمیمات می‌پذیرند، سهم بیشتری برای مشارکت در روند تصمیم‌گیری دارند. وی اشکال مختلف مشارکت را در دو دسته کلی تر مشارکت و عدم مشارکت جای می‌دهد. از نظر وی اشکال عدم مشارکت عبارتند از دست کاری و تقلب، تزئین و مساوات طلبی نمایشی؛ و اشکال مشارکت نیز عبارت هستند از مشاوره، بسیج اجتماعی، مسئولیت پذیری

مردم و سهم شدن در تصمیمات. مشارکت اجتماعی یک حرکت نظام دار است که از افراد، گروه ها و جامعه سر می زند و هدف خاصی را دنبال می کند. مشارکت در شکل ها و نهادهای مدنی و فعالیت های داوطلبانه بستری مناسب برای تأثیرگذاری بر تصمیمات، برنامه ریزی ها، اجرای برنامه ها و ارزشیابی آن هاست. تبلور عینی این تفکرات و مدل ها را می توان در سیستم های مدیریت شهر بسیاری از کشورهای جهان یافت. این نظام ها می توانند به منظور طراحی الگوها، برنامه ها و سازوکارهای مشارکت در مدیریت شهری مورد مطالعه قرار گیرند تا الگوی مشارکت شهروندی متناسب با شرایط خاص جامعه ایران تدوین گردد.

متغیرهای پژوهش

به لحاظ نظری، با توجه به مطالعات صورت گرفته جهت بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در توسعه پایدار شهری، متغیرها به صورت زیر خلاصه می شود تا روابط بین متغیرها به صورت تجربی آزمون گردد.

-متغیرهای مستقل:(اعتماد نهادی، قدمت سکونت، عضویت انجمنی، همبستگی و تعاملات اجتماعی، رسانه های ارتباط جمعی، رضایت شهروندان از زندگی، احساس تعلق اجتماعی شهروندان، میزان تحصیلات، وضعیت اجتماعی و اقتصادی، جنسیت).

- متغیر وابسته: مشارکت شهروندان در توسعه پایدار شهری

فرضیه های تحقیق

این تحقیق در راستای بررسی فرضیه های زیر تدوین شده است.

فرضیه های اصلی

-هرچه احساس تعلق اجتماعی شهروندان بیشتر باشد، میزان مشارکت آنها، در توسعه پایدار شهری به همان اندازه بیشتر می شود.

-به نظر می رسد هر چه قدمت سکونت شهروند در محلی بیشتر باشد، تمایل او به مشارکت در امور و بالطبع بهبود کیفیت زندگی اش بیشتر خواهد شد.

-به نظر می‌رسد بین عضویت انجمنی و مشارکت شهروند در امور شهری رابطه معنی‌داری وجود دارد.

-به نظر می‌رسد بین همبستگی و تعاملات اجتماعی شهروندان و میزان تمایل آن‌ها به مشارکت در توسعه پایدار شهر رابطه معنی‌داری وجود دارد.

-به نظر می‌رسد بین مشارکت شهروندان در توسعه پایدار شهری و سطح رضایتمندی آن‌ها از زندگی شان رابطه معنی‌داری وجود دارد.

-به نظر می‌رسد بین اعتماد نهادی شهروندان و میزان مشارکت آن‌ها در توسعه پایدار شهر رابطه معنی‌داری وجود دارد.

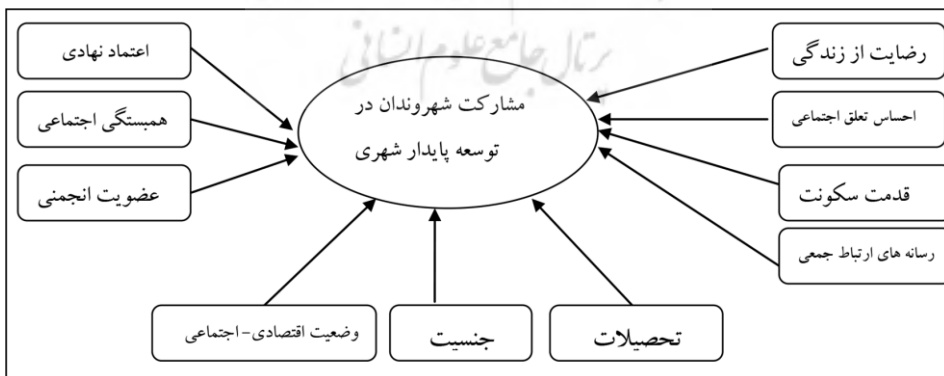
- به نظر می‌رسد بین رسانه‌های ارتباط جمعی و میزان مشارکت شهروندان در توسعه پایدار شهر رابطه معنی‌داری وجود دارد.

فرضیه‌های فرعی

-به نظر می‌رسد بین تحصيلات شهروندان و میزان تمایل آن‌ها به مشارکت در توسعه پایدار شهری رابطه معنی‌داری وجود دارد.

-به نظر می‌رسد بین وضعیت اقتصادی و اجتماعی با میزان مشارکت آن‌ها و توسعه پایدار شهری رابطه معناداری وجود دارد.

-به نظر می‌رسد بین جنسیت و میزان مشارکت رابطه معناداری وجود دارد.



شکل (۱) چهارچوب مفهومی تحقیق

روش تحقیق

روش انجام این تحقیق روش پیمایشی از نوع پرسشنامه‌ای است. جامعه آماری تحقیق، شامل کلیه ساکنان شهر بندرعباس در سال ۱۳۹۴ است. در این تحقیق پس از تعیین حجم نمونه آماری (۳۸۴) نفر از طریق فرمول کوکران، نسبت به انجام نمونه‌گیری از جامعه آماری مورد نظر به روش تصادفی طبقه بندی شده ابتدا بر اساس نسبت جمعیت ساکن در هر ناحیه به جمعیت کل منطقه و سپس بر اساس نسبت جمعیت زن و مرد ساکن در هر ناحیه به جمعیت کل ناحیه اقدام گردید و پرسشنامه تهیه شده بر اساس هدف تحقیق توسط افراد مختلف تکمیل شد. پایایی پرسشنامه با آلفای کرونباخ و روایی آن با روش صوری مورد بررسی قرار گرفته است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار آماری SPSS22 استفاده شده است. در بخش آمار توصیفی از نمودارها و جداول توزیع فراوانی و همچنین شاخص‌های مرکزی مانند میانگین و میانه استفاده شده است. در بخش آمار استنباطی متناسب با نوع فرضیات و سطح سنجش متغیرها از آزمون‌های آماری ضریب همبستگی پیرسون، آزمون تحلیل واریانس یکطرفه، آزمون t و تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شده است. نتایج حاصل از آزمون آلفای کرونباخ برای متغیرهای تحقیق نشان داد گویه‌های به کار رفته از انسجام درونی قابل قبولی برای متغیرهای تحقیق برخوردارند. جدول زیر نشان می‌دهد که بین گویه‌ها با ضریب آلفای بالاتر از ۰/۷ همسانی درونی وجود دارد.

جدول (۱) آزمون آلفای کرونباخ در بررسی قابلیت اعتماد

ردیف	بعد	ضریب آلفای کرونباخ
۱	میزان رضایت از زندگی	۰/۷۴
۲	احساس تعلق اجتماعی	۰/۷۴
۳	قدمت سکونت	۰/۸۲
۴	عضویت انجمنی	۰/۸۹
۵	همبستگی و تعاملات اجتماعی	۰/۷۰
۶	اعتماد نهادی	۰/۷۷
۷	رسانه‌های ارتباط جمعی	۰/۷۸

یافته‌های تحقیق

برای تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق و آزمون فرضیه‌های پژوهش از آمارهای توصیفی و استنباطی استفاده گردید که در ادامه همراه با آزمون فرضیه‌های تحقیق، به بررسی یافته‌های تحقیق نیز پرداخته خواهد شد. یافته‌های حاصل از این تحقیق در قالب جداول خلاصه شده و مختصر در ذیل گزارش شده‌اند.

جدول (۲) رابطه بین متغیرهای مستقل و مشارکت شهروندان

متغیرهای مستقل	متغیر وابسته: مشارکت شهروندان	
	ضریب همبستگی r	سطح معناداری
میزان رضایت از زندگی	۰/۴۷۳	۰/۰۰۷
احساس تعلق اجتماعی	۰/۳۰۹	۰/۰۴۱
قدمت سکونت	۰/۰۲۰	۰/۳۴۹
عضویت انجمنی	۰/۰۱۵	۰/۴۶۸
همبستگی و تعاملات اجتماعی	-۰/۰۳۶	۰/۳۳۱
اعتماد نهادی	۰/۲۸۹	۰/۰۴۴
رسانه‌های ارتباط جمعی	۰/۱۴۴	۰/۰۲۸

ضریب همبستگی محاسبه شده به میزان ۰/۴۷۳ نشان می‌دهد که بین دو متغیر «میزان رضایت از زندگی» و «مشارکت شهروندان» رابطه معنی‌داری وجود دارد. این همبستگی مثبت بوده و از لحاظ شدت، در حد بالا ارزیابی می‌گردد. همچنین ضرایب همبستگی محاسبه شده نشان می‌دهد که بین ۳ متغیر «احساس تعلق اجتماعی»، «اعتماد نهادی»، «رسانه‌های ارتباط جمعی» و مشارکت شهروندان رابطه معنی‌داری وجود دارد. این همبستگی مثبت است. به عبارت بهتر با افزایش احساس تعلق اجتماعی و اعتماد نهادی، مشارکت شهروندان نیز افزایش می‌یابد. ضرایب همبستگی محاسبه شده نشان می‌دهد که بین ۳ متغیر «قدمت سکونت»، «عضویت انجمنی»، «همبستگی و تعاملات اجتماعی» و مشارکت شهروندان رابطه معنی‌داری وجود ندارد. لذا این رابطه نیازی به تبیین ندارد.

نتایج فرضیه‌های فرعی تحقیق

با توجه به اینکه متغیر مستقل (جنسیت) در سطح اندازه‌گیری اسمی دو حالت مورد سنجش قرار گرفته است، و سطح سنجش متغیر مشارکت شهروندان در سطح فاصله‌ای است، به منظور بررسی رابطه بین این دو متغیر از آزمون t مستقل استفاده شده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که بین دو جنس از نظر میانگین مشارکت تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. بنابراین فرضیه مذکور مورد تأیید قرار نمی‌گیرد.

جدول (۳) رابطه متغیر «جنسیت» و «مشارکت در توسعه پایدار شهری»

آزمون T بررسی برابری میانگین‌ها			آماره لوین		با فرض برابری واریانس‌ها	گرایش به مشارکت
اختلاف میانگین	معنی‌داری	مقدار T	معنی‌داری	مقدار F		
۰/۰۷۷۰۷	۰/۱۵۱	۱/۳۷۶	۰/۲۳۵	۱/۴۷۶		

با توجه به اینکه متغیرهای مستقل (تحصیلات و وضعیت اقتصادی-اجتماعی) در سطح اندازه‌گیری اسمی چند حالت مورد سنجش قرار گرفته است، و در عین حال سطح سنجش متغیر مشارکت شهروندان در سطح فاصله‌ای است، به منظور بررسی رابطه بین این دو متغیر از آزمون تحلیل واریانس یکطرفه استفاده شده است.

جدول (۴) نتایج آزمون تحلیل واریانس یکطرفه در ارتباط وضعیت اقتصادی -

اجتماعی و گرایش به مشارکت

منبع واریانس	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	آماره F	سطح معنی‌داری
بین گروه	۰/۳۴۵	۳	۰/۱۲۱	۰/۰۴۳	۰/۴۸۲
درون گروه	۱۶/۶۳۵	۳۸۰	۰/۱۱۶		
جمع	۱۶/۹۶۸	۳۸۳			

همانطور که نتایج جدول فوق نشان می‌دهد آزمون تحلیل واریانس یکطرفه معنادار نیست، بر اساس نتایج بدست آمده می‌توان گفت که بین وضعیت اقتصادی^۰ اجتماعی شهروندان و گرایش به مشارکت تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. بنابراین فرضیه مذکور تأیید نمی‌شود.

جدول (۵) نتایج آزمون تحلیل واریانس یکطرفه در ارتباط تحصیلات و گرایش به مشارکت

منبع واریانس	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	آماره F	سطح معنی داری
بین گروه	۱/۱۷۶	۴	۰/۴۸۹	۳/۸۳۵	۰/۰۴۱
درون گروه	۱۵/۸۲۹	۳۷۹	۰/۳۰۲		
جمع	۱۶/۱۶۸	۳۸۳			

همانطور که جدول شماره (۵) نشان می‌دهد آزمون تحلیل واریانس یکطرفه معنادار است پس با ۰/۹۵ اطمینان می‌توان گفت که میان تحصیلات پاسخگویان تفاوت آماری معناداری وجود دارد. نتایج فوق حاکی از آن است که افرادی که تحصیلات بالاتری دارند، تمایل بیشتری به مشارکت دارند.

نتایج فرضیه‌های جانبی تحقیق

برای بررسی عمیق تر روابط بین متغیرها یک مدل رگرسیون چند گانه ارائه شده است. برای وارد کردن متغیرها در تحلیل مسیر از روش ورود همزمان استفاده شده است. که میزان دقیق تأثیر استاندارد شده هر کدام از متغیرهای پیش بین را بر روی متغیر ملاک نشان می‌دهد.

جدول (۶) ضرایب مسیر متغیرهای اثر گذار بر گرایش به مشارکت

متغیرهای وارد شده	ضرایب استاندارد شده (بتا)	مقدار t	سطح معنی داری
مقدار ثابت	—	۱۰/۱۴۷	۰/۰۰۰
میزان رضایت از زندگی	۰/۳۷۰	۲/۳۹۲	۰/۰۱۸
احساس تعلق اجتماعی	۰/۲۳۱	۲/۵۱۷	۰/۰۴
قدمت سکونت	۰/۰۱۳	۱/۰۴۶	۰/۳۵
عضویت انجمنی	۰/۰۶۲	۱/۰۹۴	۰/۴۴۹
همبستگی و تعاملات اجتماعی	۰/۲۲۲	۱/۷۱۳	۰/۲۳۸
اعتماد نهادی	۰/۲۹۲	۲/۰۷۹	۰/۰۰۸
رسانه‌های ارتباط جمعی	۰/۱۶۱	۱/۹۵۹	۰/۰۴۳

جدول شماره (۶) میزان دقیق تأثیر استاندارد شده هر کدام از متغیرهای پیش بین را بر روی متغیر ملاک نشان می‌دهد. ستون دوم این جدول که با نام ضرایب استاندارد شده یا بتا مشخص گردیده است، در بررسی روابط میان متغیرهای پیش بین و متغیر ملاک از اهمیت بالایی برخوردار است. علامت ضریب بتا جهت رابطه، و قدر مطلق عددی آن شدت رابطه میان متغیر پیش بین و متغیر ملاک (در حالی که اثر سایر متغیرها کنترل شده باشد) را نشان می‌دهد. ستون آخر جدول نیز سطح معنی‌داری این ضرایب را نشان می‌دهد. باتوجه به مقادیر ستون بتا می‌توان گفت که متغیرهای میزان رضایت از زندگی، اعتماد نهادی، احساس تعلق و رسانه‌های ارتباط جمعی به ترتیب بیشترین تأثیر را بر مشارکت شهروندان دارند. سطح معنی‌داری این چهار متغیر کمتر از ۰/۰۵ است، بنابراین می‌توان گفت که این چهار متغیر تأثیر معنی‌داری بر مشارکت شهروندان دارند. کنکاش دقیق‌تر نشان می‌دهد که، متغیر (رضایت از زندگی) دارای بیشترین تأثیر می‌باشد، زیرا به ازای یک واحد تغییر در این متغیر ۰/۳۷۰ تغییر، در متغیر مشارکت شهروندان ایجاد می‌شود.

نتیجه‌گیری

در دنیای امروز توسعه پایدار یک کشور متناسب است با میزان به‌کارگیری و مشارکت شهروندان در برنامه‌ریزی‌ها و فعالیت‌ها و امور شهری. بنابراین مشارکت، فرآیند درگیر شدن کلیه گروه‌های مردم در همه مراحل توسعه جهت ظهور توانایی‌ها، قابلیت‌های آنهاست و به همین دلیل شاید در سال‌های اخیر همواره در محافل علمی و سیاسی کشور به موضوع مشارکت شهروندان در امور شهرها، در صدر گفتمان‌های اجتماعی و سیاسی جامعه قرار داشته، و مورد توجه مدیران، برنامه‌ریزان و صاحب‌نظران توسعه اجتماعی می‌باشد که آن را به عنوان عنصری مهم در جهت رسیدن به دموکراسی و توسعه پایدار می‌دانند. بر همین اساس تحقیق حاضر با هدف بررسی عوامل مؤثر بر جلب مشارکت شهروندان در توسعه پایدار شهری انجام پذیرفت. چهارچوب‌های مفهومی و دیدگاه‌های نظری مطرح شده در بخش نظری تحقیق نقطه عزیمت مناسبی را برای طرح سؤالات و دستیابی به توضیحی قابل قبول و به دست آمده در جریان مطالعه تجربی فراهم ساخت. سؤال اصلی این تحقیق روشن

ساختن عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان بود. برای پاسخ به این سؤال و دیگر سؤالات تحقیق، از مبانی نظری و چهارچوب نظری استفاده شد. با کنار هم گذاشتن تعیین کننده‌های برآمده از چهارچوب نظری، مدل مفهومی و نظری تحقیق طرح ریزی و بر اساس آن روابطی فرض شد. برای آزمون روابط فرض شده و شناخت روابط بین متغیرها، از آزمون‌های آماری استفاده شد. با توجه به نتایج آزمون‌ها و ترکیب نتایج تحلیل‌های دو متغیری و چند متغیری، نتایج برآمده از تحقیق، مورد بحث و بررسی قرا می‌گیرد.

نتایج آزمون‌های پیرسون، تحلیل واریانس یکطرفه، رگرسیون چندگانه و تحقیق بیانگر آن است که رضایت از زندگی، اعتماد نهادی، احساس تعلق و رسانه‌های جمعی بر میزان مشارکت شهروندان در توسعه پایدار شهری تاثیر دارند. اما رابطه بین متغیرهای قدمت سکونت، عضویت انجمنی و همبستگی و تعاملات اجتماعی ارزیابی و میزان مشارکت شهروندان در توسعه پایدار شهری، معنادار نبود. همچنین متغیر پایگاه اجتماعی^۰ اقتصادی که تاثیر مستقیمی بر مشارکت ندارد، اما متغیر تحصیلات و مشارکت مردم تاثیر دارد یعنی با افزایش تحصیلات شهروندان میزان مشارکت آنان بیشتر می‌شود. همچنین در تجزیه و تحلیل داده‌ها می‌توان چنین نتیجه گرفت که بین متغیرهای احساس تعلق به محل سکونت و میزان مشارکت آنها در توسعه پایدار شهری رابطه معناداری وجود دارد، یعنی شهروندانی که محل سکونت خود وفادار بوده احساس تعلق خاطر می‌نمایند، بیشتر از شهروندانی که چنین احساسی را ندارند، به مشارکت در امر شهری علاقمند و در این فرضیه ارتباط قوی و معناداری آن دیده می‌شود. با در نظر گرفتن مجموع نتایج بدست آمده می‌توان گفت که مهمترین نتیجه‌ای که از این تحقیق بدست آمده این است که ارزیابی شهروندان از پیامدهای مشارکت مثبت بوده، بیشتر شهروندان معتقد بودند که می‌توانند با مشارکت کردن خود در توسعه پایدار شهری تاثیر گذار باشند. بیشتر شهروندان در اموری مانند فعالیت در مراسم و جشن‌های محلی و مذهبی مشارکت بیشتری از خود نشان دادند، ولی مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که شهروندان در اطلاع رسانی مشکلات شهری به مدیران مشارکت کمتری را از خود نشان دادند.

راهکارها و پیشنهادها

در خصوص پژوهش حاضر و نتایج بدست آمده از آن، راهکارهایی به شرح زیر ارائه می‌گردد:

- برگزاری جشن‌ها و مراسم محلی برای بالا بردن تعلق اجتماعی شهروندان
- مساعدت رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی در جهت فرهنگ سازی، مخصوصاً اطلاع رسانی در خصوص ضرورت شرکت داوطلبانه شهروندان در توسعه پایدار شهری
- نظرخواهی از شهروندان در خصوص اجرای طرح‌های شهر

منابع

- ۱- پاپلی یزدی، محمد حسین و همکاران (۱۳۸۷)، نظریه‌های شهر و پیرامون، انتشارات سمت، تهران.
- ۲- توکلی نیا، جمیله و منصور استادی سیسی (۱۳۸۸)، تحلیل پایداری محله‌های کلان شهر تهران با تاکید بر عملکرد شورایاری‌ها، نمونه موردی: محله‌های اوین، درکه و ولنجک، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۰، ۴۳-۲۹.
- ۳- توسلی، غلام عباس (۱۳۷۵)، مشارکت اجتماعی، هدف یا ابزار توسعه، ماهنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۱۰-۱۰۹، تهران، موسسه اطلاعات
- ۴- حسینی، سیدهادی، حسین قدرتی و سید حمید جوادیان (۱۳۹۱)، تحلیلی بر مشارکت شهروندان در توسعه پایدار شهری (مطالعه موردی: شهر سبزوار)، چهارمین کنفرانس برنامه ریزی و مدیریت شهری، مشهد مقدس.
- ۵- دانشپور، عبدالهادی و دیگران (۱۳۸۸)، بررسی نقش مشارکت شهروندان در اجرای طرح‌های نوسازی بافت فرسوده، فصلنامه پژوهش مدیریت شهری، سال اول، شماره دوم، صص ۶۰-۷۰.
- ۶- رفیعیان، مجتبی، غلامرضا اسلامی وهانیه هودسنی (۱۳۸۶)، ادارک ذهنی ساکنان محله از فرآیند مشارکتی توسعه (نمونه موردی: محله جلفا تهران)، مجله علوم انسانی، شماره ۱۵،

- ۷- زاهدی، پرویز (۱۳۸۲)، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری، چاپ دوم.
- ۸- زیاری، کرامت اله (۱۳۸۲)، برنامه ریزی شهرهای جدید، تهران، انتشارات سمت.
- ۹- زیاری، کرامت اله (۱۳۸۰)، توسعه پایدار و مسئولیت برنامه ریزان شهری در قرن بیست و یکم، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، سال چهل و هشتم، شماره ۱۶۰.
- ۱۰- سرور، ر. موسوی (۱۳۹۰)، ارزیابی توسعه پایدار شهری استان آذربایجان غربی، فصلنامه علمی-پژوهشی انجمن جغرافیای ایران، سال نهم، شماره ۲۸، صص ۲۸-۷.
- ۱۱- شریفیان ثانی، مریم (۱۳۸۰)، مشارکت شهروندی، حکمرانی شهری و مدیریت شهری. فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۸، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور، تهران.
- ۱۲- علوی، علیرضا (۱۳۷۹)، بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها (تجارب جهانی و ایران)، جلد دوم، تهران، سازمان شهرداری‌های کشور.
- ۱۳- عباس زاده، محمد (۱۳۸۷)، بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در امور شهر (مطالعه موردی: شهر اصفهان)، پایان نامه دکتری جامعه شناسی دانشگاه اصفهان.
- ۱۴- قاسمی، ع. محمد زاده، س (۱۳۸۱)، ارزیابی طرح‌های اقتصادی در شرایط عدم قطعیت، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۹۳، صص ۱۰۰-۸۳.
- ۱۵- کاظمی محمدی، سید مهدی (۱۳۸۵)، توسعه پایدار شهری، مفاهیم و دیدگاه‌ها، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، تهران، شماره ۱۶.
- ۱۶- گیلبرت، آلن و ژوزف گاگلر (۱۳۷۵)، شهرها، فقر و توسعه، شهرنشینی در جهان سوم، ترجمه پرویز کریمی، تهران، اداره کل روابط عمومی و بین الملل شهرداری تهران.
- ۱۷- مافی، عزت اله و محمد حسن رضوی (۱۳۹۱)، برنامه ریزی استراتژیک توسعه محله‌ای با تاکید بر متغیرهای اجتماعی، مطالعه موردی: محله طلاب شهر مشهد، فصلنامه مطالعات و پژوهش‌های شهری منطقه ای، شماره ۱۴، صص ۳۰-۱۵.
- ۱۸- محسنی تبریزی، محمود علیرضا طباطبایی، و سیدهادی مرجایی (۱۳۸۵)، نظریه‌های روان شناختی و رویکردهای تلفیقی مشارکت، مجله سیاست داخلی، سال اول، شماره اول.
- 19- Aiello, A., Ardone, Rita, Grazia, Scopeliti, Massimiliano (2010). Neighbourhood planning improvement: physical attributes, /cognitive in two neighbourhoods in Rome, Evaluation and program planning, vol.33, 264-275.

- 20- Keihani, M., 2005, Factors Influencing the politicization of students, senior sociology theses, Faculty of Literature and Humanities, University of Isfahan. (in Persian).
- 21- Lenzi, Michela, Vieno Alessio, Pastor, Massimiliano, Santinello, Massimo. (2013). Neighborhood social connectedness and adolescent civic engagement: an integrative model, journal of Environmental psychology, vol 34, 45-54.
- 22- McGee, T.K. (2011). Public engagement in neighbourhood level wildfire mitigation and preparedness: case studies from Canada, the US and Australia, journal of Environmental Management, vol. 92, 2524-2532.
- 23- Qrachorlo, N. and Ismael, A., 2007, Review Areas of citizen participation in Municipal Activities and services, East Azarbaijan University Jihad unit, Tabriz. (in Persian).
- 24- Saeidi, S., Oktay, D. (2012). Diversity for better quality of community life: evaluations in Famagusta neighbourhoods, Asia Pacific International conference on environment-behaviour studies, Famagusta, north Cyprus, social and behavioral sciences, vol. 35, 495-504.
- 26- Taghavi, Nematollah (2006). Assessment of the Factor and Areas of public participation in the development of the city of East Azarbaijan province, Tabriz: East Azarbaijan Management and planning organization.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی